

انفجار معدن طبس جنایتی آشکار علیه کارگران معدن!

در روز شنبه ۲۱ شهریورماه ۱۴۰۳ انفجار گاز متان در معدن ذغال سنگ شرکت معدنجو در طبس واقع در استان خراسان جنوبی به مرگ ۵۲ کارگر زحمتکش این معدن منجر شد. از این انفجار با توجه به پی‌آمدهای مرگبار ناشی از آن باید به عنوان یک فاجعه نام برد. کارگران این معدن اغلب جوانانی بودند که برخی از آنها علی‌رغم داشتن مدرک تحصیلی دانشگاهی در شرایط رواج وسیع بیکاری در جامعه مجبور به کار در این معدن با شرایط بسیار ظالمانه و غیر انسانی شده بودند. این کارگران در شرایطی به کار سخت و دشوار معدن مشغول بودند که از کمترین حقوق کارگری نیز محروم بودند؛ چرا که سرمایه‌دار زالوصفت، "قرارداد سفید" بر این کارگران تحمیل کرده بود. "قرارداد موقت" و بعداً "قرارداد سفید" که در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی جنایتکار ابداع و رواج یافت، کارگر را از داشتن کمترین حقوق و از جمله بیمه محروم می‌کند و دست سرمایه‌داران را هم باز می‌گذارد که هر زمان میل‌شان کشید کارگر را از کار بیکار ساخته و اخراج نمایند بدون این که قانونی جلودار آنها شود. کارگران جان به در برده از فاجعه معدن طبس به درستی "قرارداد سفید" را این‌گونه توضیح دادند که سرمایه‌دار قادر است کارگر را حتی به بهانه این که دیرتر سلام داده از کار اخراج نماید.

در چنین شرایطی بود که در آن روز شوم "با وجود هشدار معدنچیان مبنی بر حس کردن بوی گاز، مسئولان آنها را با «تهدید» به داخل معدن فرستادند". این سخن را تعدادی از خانواده‌های کارگران معدن با روشنی در مقابل دوربین بیان کردند. اما علی‌رغم همه شواهد غیر قابل انکار مبنی بر ناامنی محیط کار و بی مسئولیتی کارفرما، وزیر کار مرتجع دولت پزشکیان در شرایطی که هنوز بررسی‌ای انجام نشده بود تا حتی برای خود مقامات ضد کارگر جمهوری اسلامی چرایی این انفجار آشکار شود، با وقاحت تمام اعلام کرد که "علت اعلام شده، انفجار گاز بوده و حادثه غیر قابل پیش‌بینی بود".

اما از دیگر اظهارات خانواده کارگران معدن ذغال سنگ شرکت معدنجو، می‌توان سخنان پدر یکی از کارگران قربانی شده در این معدن را گواه گرفت. او به وضوح مطرح کرد که: "پسرم از همکاری‌اش خواسته بود به دلیل ناامن بودن معدن به کار نروند و زمانی که اعتراض شد، کارفرما کارگران را به اخراج تهدید کرد". همچنین، والدین محمدجواد قاسمی، یکی از کارگران کشته شده در حادثه این معدن، در یک گفت‌وگوی ویدیویی با کانال تلگرامی "کارگاه" به موردی اشاره کرد که آشکارا علیه ادعای وزیر کار دولت مرتجع پزشکیان می‌باشد. این والدین گفتند که "کپسول‌های اکسیژن را پس از حادثه آورده بودند"؛ و با اشاره به این کپسول‌ها تاکید کردند که "اگر این کپسول‌ها در معدن تعییبه شده بود، کارگران نجات پیدا می‌کردند". این خانواده دردمند سپس واقعبینانه اعلام کرد که کارگران "بلوک ب را کشتند!"

شکی نیست که اظهارات خانواده کارگران کشته شده در معدن ذغال سنگ طبس که توضیح‌گر واقعی دلیل انفجار این معدن می‌باشد، نمی‌توانست موجب ناخرسندی مسئولین جمهوری اسلامی نشود، چرا که این خانواده‌ها به درستی مسئول جنایت رخ داده شده را سرمایه‌دار زالوصفت معدن معرفی کرده و انگشت اتهام را به سوی کارفرما و مسئولین معدن نشانه می‌گیرند. قابل توجه است که درست به همین دلیل محمدکاظم موحدی‌آزاد، دادستان کل کشور در دفاع از سرمایه‌داران، هرگونه اظهارنظر، از آن دست که خانواده‌های کارگران درباره حادثه معدن طبس بیان می‌کنند را ممنوع اعلام کرد. این دادستان آن‌قدر بی‌شرم است که حتی نگفت اگر حرف زدن درباره این جنایت از طرف مردم ممنوع است، او چه کوششی جهت پیدا کردن قاتل و

قاتلین انجام خواهد داد!!؛ البته کارگران و دوستداران و مدافعین واقعی کارگران فراموش نکرده‌اند که در ۱۳ اردیبهشت سال ۱۳۹۶ به دنبال انفجار در معدن زمستان یورت در آزاد شهر گلستان و مرگ ۴۳ معدنچی و مجروح شدن ۷۰ کارگر، مسئولین جمهوری اسلامی هیچ اقدامی جهت شناخت و دستگیری مسببین این جنایت انجام ندادند و حتی حاضر نشدند به خانواده قربانیان این حادثه کمک‌های لازم را بکنند. در مورد آن جنایت سرمایه‌داران در حق کارگران زحمتکش معدن زمستان یورت، وقتی به قول معروف آب‌ها از آسیاب افتادند پس از ۷ ماه رئیس دادگستر گلستان از کمبود وسایل ایمنی در این معدن سخن گفت. البته او علی‌رغم قبول عدم ایجاد شرایط ایمنی برای کارگران از طرف سرمایه‌داران سخنی در مورد این که جمهوری اسلامی با آن سرمایه‌داران که موجب قتل و مجروح شدن تعداد زیادی از کارگران شدند، چه برخوردی خواهد داشت، کلمه‌ای نیز بر زبان نیاورد.

در اینجا باید به اظهارات متناقض مسئولین جمهوری اسلامی در رابطه با فاجعه رخ داده در معدن طبس هم اشاره کرد. به رغم ادعای وقیحانه وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی جمهوری اسلامی که همان‌طور که ذکر شد روز بعد از انفجار معدن مدعی شد "حادثه غیر قابل پیش‌بینی بود!" رئیس کانون شوراهاى اسلامی خراسان که خود از نهادهای رژیم‌ساخته در محیط کار می‌باشد اعلام کرد که "حتی یک سنسور تشخیص گاز متان نداریم. اگر مانند معدن مرکزی یک سنسور گاز متان داشتیم این اتفاق نمی‌افتاد". همچنین بازرس پرونده حادثه معدن طبس "نبود سیستم مانیتورینگ به صورت آنلاین به همراه سیستم دفع گاز را عامل این حادثه عنوان کرد". او اعلام نمود که دلیل انفجار معدن طبس "رعایت نشدن اصول ایمنی در محیط کار" بوده و تاکید کرد که "این قصور متوجه مسئولین معدن است". همچنین زهرا سعیدی، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس جمهوری اسلامی نیز علت حادثه انفجار معدن را "رعایت نشدن مسایل ایمنی" اعلام کرد و گفت "آزیر مرکزی معدن خراب بوده یا اصلا وجود نداشته!" و سپس تاکید نمود که "به همین دلیل حتی کارشناسان ایمنی معدن جان خود را از دست داده‌اند".

در این میان مدیرعامل شرکت پیمانکار زغال‌سنگ معدنجوی طبس به نام محمد مجتهدزاده در پاسخ به خانواده کارگران جان‌باخته که گفته بودند کارگران نسبت به وجود گاز هشدار داده بودند مدعی شد که "اصلا گاز متان بویی ندارد که کارگری بدون ابزار وارد شود و پس از گازسنجی با احساس خطر به کار ادامه دهد". این کارفرمای بی‌شرم که به جای توجه به هشدار کارگران آنها را با تهدید به اخراج مجبور به رفتن داخل معدن یعنی قتلگاه خود کرده بود نمی‌فهمد که کارگر معدن در آن شرایط خطرناک کار در زیر زمین "گاز را حس" می‌کند و نیازی نیست که گازسنج داشته باشد. اما بر کسی پوشیده نیست که عدم خرید یک سنسور تشخیص گاز متان باعث جان‌باختن ۵۲ کارگر و مجروح شدن شماری دیگر شد و این جنایتی است که صرفا به خاطر سودجویی صورت گرفته است.

حال با تکیه بر همه فاکت‌ها مبنی بر مقصر بودن سرمایه‌دار زالوصفت و قاتل کارگران و عدم انجام وظیفه از سوی مسئولین دولتی جهت بازرسی به موقع و مداوم معدن، لازم است روی این واقعیت غیر قابل انکار تاکید شود که شرایط کار در معادن کشور به قتلگاه کارگران بدل شده است. انفجار گاز متان در معدن زغال سنگ معدنچو در طبس در روز شنبه ۳۱ شهریور این واقعیت را بار دیگر به آشکاری در مقابل چشم همگان قرار داد؛ و بار دیگر همگان دیدند که چگونه سرمایه‌داران زالوصفت صرفا برای عدم هزینه جهت خرید وسایل ایمنی با جان کارگران بازی می‌کنند و چنین فاجعه دردناکی را می‌آفرینند. در این‌جاست که می‌توان دید که وقتی از وابستگان به خانواده یکی از کارگران کشته شده گفت که کارگران "بلوک ب را کشتند!" او بر واقعیتی انگشت گذاشت که سال‌ها پیش آموزگار بزرگ طبقه کارگر فردریک انگلس آن‌را با صراحت تمام اعلام کرده بود. انگلس از ارتکاب سرمایه‌دارن به قتل عمد سخن گفته و مطرح کرده است:

"وقتی سرمایه‌داران هزاران کارگر را در چنان وضعی قرار می‌دهند که آنها به طور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می‌افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، "این عمل" یک نوع قتل عمد است ... درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتلی پنهانی و خائفانه، قتلی که هیچ کس نمی‌تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتلی که ظاهراً قتل نیست، زیرا کسی قاتل را نمی‌بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می‌آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی‌عملی‌ست تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد محرز است".

تنها با مبارزه برای نابودی سیستم سرمایه‌داری می‌توان به چنین قتل‌ها و فجایعی نظیر آنچه کارگران معدن طبس و خانواده‌های‌شان با آن مواجه شدند پایان داد.